



## بررسی قاعده تسبیب در فقه امامیه و حقوق کیفری در نظام حقوقی ایران

ملیحه ابوالقاسمی<sup>۱</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

### چکیده

قاعده تسبیب یکی از قواعد فقهی حقوقی در باب ضمان است که در حقوق مدنی، جبران خسارت و در حقوق کیفری، مجازات را در پی دارد. وقوع جرم یا ورود ضرر به دیگری همواره به صورت مستقیم و از طریق مباشرت صورت نمی‌گیرد. بلکه در بسیاری از امور کیفری و مدنی شخص به طور غیرمستقیم و از طریق تسبیب سبب تلف مال ورود ضرر به دیگری و یا تحقق جرم می‌شود که بسته به نوع عمل مرتکب برای وی مسؤولیت مدنی یا کیفری یا هر دو ایجاد می‌گردد و نظر به اینکه عمل مسبب می‌تواند به صورت عمدی یا غیرعمدی، سلبی یا ایجابی باشد و به اشکال مختلف اعم از تسبیب محض، اجتماع سبب و مباشر و اجتماع اسباب تحقق پیدا کند؛ از این رو تعیین فرد یا افراد مسؤول در بسیاری از موارد به‌ویژه در اجتماع سبب و مباشر و به‌خصوص، جایی که سبب اقوی از مباشر است، برای تحمیل مجازات یا جبران خسارت از اهمیت خاصی برخوردار است. در این پژوهش قاعده تسبیب در حقوق کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷-۳۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: .....

تلفن: .....

ایمیل: malihehabolghasemi@yahoo.com

### سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

### واژگان کلیدی:

قاعده تسبیب، ضمان، مسؤولیت

کیفری، سبب و مباشر.



## مقدمه

مباحث نظری مربوط به رابطه سببیت و زوایای آن در حقوق کیفری کشور ما همچنان در حاله‌ای از تردید و تشتت قرار دارد و هنوز تفکیک دقیق و جامعی درخصوص رابطه استناد در حقوق کیفری و آثار آن در مقایسه با مسؤولیت مدنی انجام نگرفته است. به همین ترتیب در رویه قضائی و عرف آرای قضائی نیز نظریه واحد و منسجمی ملاحظه نمی‌شود. کانون توجه همه اندیشمندان به هنگام بحث درخصوص رابطه سببیت، مباحث ضمان و میزان پرداخت خسارت به قربانیان جرم است و گویا اهمیت اجتماعی تقصیر و سرزنش کیفری نادیده گرفته شده و شأن آن، هم‌پایه مسائل مسؤولیت مدنی تلقی می‌شود. ولی باید به این نکته توجه کرد که مسأله شناخت بزهدار مسأله‌ای است بسیار اساسی و آثار بسیار مهمی به لحاظ اجتماعی بر زندگی اشخاص دارد. از این رو باید رابطه استناد را یکی از ارکان احراز مسؤولیت کیفری قلمداد کرده و پیش از تصور جبران خسارت، به شأن حقوق کیفری در سرزنش افراد بر مبنای قابلیت انتساب اعمال ضداجتماعی به ایشان، احترام گذاشته شود (فری دو ملکوتی، ۱۳۹۴: ۱۵۷).

بیشتر مؤلفان در این حوزه معتقدند که قانون باید به صراحت معیاری را ارائه کرده و قاضی دادگاه با تطبیق حقایق و وقایع با آن معیار رابطه استناد را احراز کرده و سپس شخص را مسؤل حادثه بشناسد، ولی علاوه بر این لازم است رویه قضائی با بهره‌گیری از منابع مختلف به‌ویژه آرای فقهی، شرایط و واقعیات هر پرونده را مدنظر قرار داده و با در نظر گرفتن عرف، رابطه سببیت را تبیین کند.

آنچه باید مورد توجه قرار بگیرد تفکیک نظری مسؤولیت از لحاظ مدنی و کیفری است. به نظر می‌رسد تنظیم‌کنندگان مقررات کیفری باید در تمامی مراحل، با مطمح نظر قراردادن مبانی حقوق کیفری، سبک و سیاق قانون اعم از ماده، شکل و ادبیات آن را منطبق با آن مبانی کنند. به‌طور مسلم در چنین صورتی است که راه اختلاط دو مبحث و اصطلاحات و ابزارهایشان با یکدیگر مسدود می‌شود. تبعاً براساس ادبیات کیفری، مسؤولیت کیفری مقدم بر موجبات ضمان و به‌عنوان کانون بحث در رابطه سببیت قرار خواهد گرفت و پرداخت خسارت به‌عنوان امری لازم ولی متفرع بر مسؤولیت کیفری محقق خواهد شد.

## ۱- تعریف لغوی سبب

سبب در لغت به معنای وسیله و راه است و جمع آن اسباب می‌باشد. «به هر چیزی که آدمی را به چیز دیگر می‌رساند سبب گفته می‌شود و راه را هم به همین دلیل سبب می‌گویند» (رضایی‌راد، ۱۳۹۲: ۶۰).

سبب در لغت به هر وسیله‌ای گویند که انسان را به یکی از اهدافش برساند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۴۶۷).

در اصطلاح علم فقه، سبب و مسبب به چیزی می‌گویند که به‌طور غیرمستقیم در پدیده دیگر مؤثر باشد و نقطه مقابل آن مباشر است. مباشر کسی است که مستقیماً در پدیده‌ای مؤثر باشد. مثلاً اگر کسی با شلیک یک گلوله فردی را به قتل برساند، مباشر قتل است، اما اگر بر سر راه او چاله‌ای بکند و خود آن فرد در آن چاله بیفتد و بمیرد، آن کس که چاله را کنده است، مسبب قتل می‌باشد. دخالت مستقیم در پدیده‌ای را مباشرت و دخالت غیرمستقیم را تسبیب گویند (رضایی‌راد، ۱۳۹۱: ۷۸).

## ۲- قاعده تسبیب در فقه امامیه

مستندات قاعده تسبیب را می‌توان در ۱- قرآن؛ ۲- روایات؛ ۳- بنای عقلا؛ ۴- اجماع مطرح نمود.

## ۲-۱- قرآن

۱- «فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم» (بقره/۱۹۴) هر کس به شما تجاوز کرد به مانند آن، بر او تعدی کنید.

این یک دستور کلی است که مقابله به مثل، وظیفه هر فرد مسلمان است و به همه مسلمین اجازه داده شده در مقابل متجاوز پاسخ‌گو باشند. این دستور برخلاف آن چیزی است که مسیحیت امروز مدعی می‌باشد که اگر سیلی به گونه راست زدند، طرف دیگر صورت را تسلیم کن. آیه از نظر اعتدای تجاوز مطلق است و هم شامل تجاوز به مال و هم تجاوز بر جان می‌باشد؛ البته اعتدای به مثل بدین معنا نیست که هر چه طرف انجام داد، او نیز انجام دهد، بلکه به معنای آن است که قیمت و ضرری را که به او وارد کرده به هر عنوان که می‌تواند، جبران کند، مثلاً اگر خانه او را سوزاندند خسارت بگیرد (مشایخی، ۱۳۸۴: ۴).

بررسی سندی: در سند این روایت، پدر علی بن ابراهیم، ابراهیم بن هاشم است و مراد از ابن ابی عمیر، محمد بن ابی عمیر است. حماد، حماد بن عثمان می‌باشد و مراد از حلبی، عبید الله بن علی بن ابی شعبه. البته حماد چه ابن عثمان باشد و چه ابن عیسی هر دو ثقة‌اند. تمام برادران حلبی نیز موثق هستند (نجاشی، ۱۴۲۴: ۱۴۲).

بررسی دلالتی: در اینجا با چهار امر مواجهیم: ۱- فردی که چیزی را در راه مسلمانان قرار داده است (واضع)؛ ۲- چیزی که در راه قرار داده شده است؛ ۳- فردی که سوار بر چهارپایی است (راکب)؛ ۴- چهارپا (مرکوب). آن چیز، سبب رم کردن مرکب شده و مرکب به راکبش صدمه زده است. این حدیث، واضع را ضامن جبران خسارت معرفی می‌کند. عاملی که مستقیماً به راکب صدمه زده است، مرکوبش بوده، اما مرکب اختیار مسؤلیت‌آوری ندارد، پس سبب رم کردن مرکب، آن چیز بوده است، اما آن نیز اختیاری نداشته، پس واضع آن چیز که اختیار مسؤلیت‌آور دارد، ضامن جبران ضرر و مسبب ضرر می‌باشد؛ زیرا با فعل‌اش، سبب رم کردن مرکب شده و چون مرکب، اختیار مسؤلیت‌آوری ندارد، وی ضامن به تسبیب است. بر طبق این حدیث، هر چیزی که در معبر عمومی مسلمانان قرار گیرد و موجب ضرر شود، واضع آن چیز، ضامن جبران خسارت‌ها و ضررهاست، خواه با قصد ضرررسانی به دیگران آن کار را انجام داده باشد یا بدون این قصد؛ و خواه با دستور فرد دیگری آن کار را انجام داده باشد یا بدون آن نیز در تمامی فروض دیگر، حکم همین است؛ زیرا روایت عام است و لفظ «کل» در آن استفاده شده است. (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۱۳۲).

در این حدیث ترکیب «راه مسلمانان» به کار رفته است، اما این تعبیر به هیچ وجه موضوعیتی برای ضمان ندارد و ملاکی برای آن به‌شمار نمی‌رود؛ زیرا موضوع باب ضمانات این است که آدمی با اختیار مسؤلیت‌آوری که دارد موجب ضرر رسیدن به اموال یا نفوس محترمه شود و چون اموال و نفوس مسلمانان با کسانی که مانند ایشان‌اند (مثل کافران ذمی) محترم می‌باشد، برای فهماندن این مهم، از آن تعبیر استفاده شده است.

از نکات قابل توجه این است که امام نیز از واژه «ضرر» استفاده کرده‌اند نه از کلماتی مثل «تلف»؛ زیرا معنای کلمه «ضرر» عام‌تر از معنای کلمه «تلف» می‌باشد؛ مثلاً اگر فردی مانع

۲- «و إن عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به» (نحل/۱۲۶) اگر خواستید مجازات کنید فقط به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید (نه بیشتر).

شأن نزول آیه مربوط به جنگ احد است که وقتی پیامبر اسلام دیدند حضرت حمزه را مثله کردند، فرمودند: اگر بر آن‌ها ظفر یابم، مانند آن‌ها خواهم کرد که آیه نازل شد که از نظر کیفر همانند آن‌ها انجام بده، لیکن اگر صبر کنی برای تو بهتر است که پیامبر سه مرتبه فرمودند: خدایا صبر می‌کنم. آیه مذکور در صورتی مدرک قاعده واقع می‌شود که معاقبه، شامل مال و جان هر دو بشود، چون معاقبه در لغت به معنای مجازات برگناه است و شمول آن نسبت به اموال روشن نیست (مشایخی، ۱۳۸۳: ۴).

۳- «و جزوا سیئه سیئه مثلها فمن عفا و اصلح فأجره علی الله انه لا یحب الظالمین» (شوری/۴۰) و کیفر بدی مجازاتی همانند آن است و هرکس عفو و اصلاح کند، اجر و پاداش او بر خداست، خداوند ظالمان را دوست ندارد.

این آیه نیز در صورتی مدرک قاعده واقع می‌شود که اطلاق سیئه و عموم آن شامل اموال و منافع گردد و معنای آیه چنین شود که هرکس نسبت به مال و جان بدی کرد طرف مقابل همان کار را انجام دهد. البته این بدین معنا نیست که مال طرف را تلف کند، بلکه از اموال او تقاص کند و راجع به تلف جان و قتل، حکم مخصوص خود را دارد.

## ۲-۲- روایات

صاحب جواهر درباره ضمان ناشی از تسبیب ادعای اجماع فقها را نموده و هر نوع اختلاف را در این زمینه نفی کرده است و علاوه بر نفی خلاف، به روایاتی نیز تمسک جسته است که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

نخست: صحیح حلی است که می‌گوید: (از امام صادق علیه‌السلام پرسیدم: کسی که چیزی را در راه دیگری قرار دهد، به طوری که مرکب شخصی در برخورد با آن رم کند و صاحبش را به زمین زند، حکم قضیه چیست؟ حضرت فرمودند: هر چیزی که در راه مسلمین به آنان ضرر بزند، صاحب آن چیز ضامن پیامدهای آن است) (حر عاملی، ۱۴۱۹: ۱۰۱).

دسترسی صاحب تاکسی به اتومبیلش شود، گرچه آن مال را تلف نکرده، موجب ضرر به صاحب تاکسی شده است. همچنین است اگر فردی، انسان حر عاقل بالغی را حبس کند به طوری که نتواند درآمد روزانه‌اش را کسب کند. اگرچه بیشتر فقیهان، ثبوت ضمان را در مورد اخیر به دلیل عدم شمول قاعده اتلاف و علی‌البدن نپذیرفته‌اند، تعداد متناهی از ایشان آن را قبول کرده‌اند، مانند مرحوم سید در العروه‌الوثقی و تمام فقیهاتی که بر متن ایشان حاشیه زده‌اند (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۴۵-۴۰).

دوم: صحیح زراره است. ایشان می‌گویند: «به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم کسی که چاهی در غیر ملک خویش حفر کند و عابری در حین عبور در آن بیفتد، حکم قضیه چیست؟ حضرت فرمودند: بر حفرکننده چاه، ضمان است؛ برای این که هرکس چاهی در غیر ملک خود حفر کند، ضامن می‌باشد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۴۱).

بررسی سندی: در این روایت ابن ابی نجران و مثنی واقع شده‌اند. ابن ابی نجران، عبدالرحمن بن ابی نجران است و اسمش عمرو بن مسلم. مثنی نیز مثنی بن ولید الحنط می‌باشد. اصل این حدیث را جناب کلینی در الکافی آورده است. طریق ایشان به ابن ابی نجران صحیح می‌باشد و بقیه رجال نیز ثقه هستند (نجاشی، ۱۴۲۴: ۲۳۵).

بررسی دلالتی: حضرت در اینجا چاه‌کنی را که در غیر ملک چاهی حفر کرده است، ضامن معرفی می‌کند، اما با استفاده از دیگر ادله روایی درمی‌یابیم اینکه چاه‌کن، مالک زمین چاه نبوده، دلیل ضمان نیست، بلکه مجاز نبودن حفر چاه در ملک غیر، دلیل ضمان می‌باشد. بنابراین اجازه شرعی نداشتن فاعل برای انجام کارش یکی از ملاک‌های تعیین ضامن است. مجاز نبودن فعل می‌تواند به دلیل مجاز نبودن خود آن فعل یا متعلقاتش مانند حالات، زمان، مکان، موضع وقوع و ... باشد که در انتها همگی این‌ها منجر به مجاز نبودن انجام آن فعل می‌شوند؛ برای مثال انجام فعلی مانند رانندگی برای فردی که مهارت دارد، مجاز می‌باشد اما هنگام تصادف وی با عابران پیاده‌ای که مقصر نیست، اراده شارع این نبوده است که وی مجاز به تصادف می‌باشد؛ چراکه با فرض بی‌نقص بودن وسیله نقلیه و خیابان، راننده بی‌احتیاطی کرده است و شارع، اجازه رانندگی با بی‌احتیاطی را نداده است (میرحسینی و آب‌سواران، ۱۳۹۳: ۱۳۰).

در این حدیث سبب ایراد ضرر، چاه می‌باشد که روشن است چاه اختیار و مسؤلیتی ندارد، پس آن فردی که آن را حفر کرده است، ضامن جبران خسارت می‌باشد؛ زیرا چاه‌کن به وسیله چاه به فردی ضرر زده است و چاه، ایجادکننده‌اش (چاه‌کن) را به شخص ضرر دیده متصل می‌کند، پس چاه‌کن می‌شود مسبب آن ضرر. در این حدیث فقط فاعل آن فعلی که سبب ضرر به دیگری شده، ضامن معرفی می‌شود به ضمان تسبیب، نه آن فردی که به فاعل دستور انجام آن فعل را داده و نه صاحب ملکی که بدون اجازه‌اش در ملکش آن فعل انجام شده است. بلکه ممکن است بتوان فروض دیگری را نیز در اینجا مطرح کرد، مانند اینکه مسؤلیت یا ضمانی غیر از ضمان تسبیب، متوجه بعضی از آن‌ها باشد، اما این حدیث فقط دلالت به مورد مذکور می‌کند. باز هم متذکر می‌شویم که ما در این بحث فقط به دنبال ضامن به ضمان تسبیب و به دست آوردن ملاک‌های آن هستیم (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

سوم: فقهای ما در کتاب‌های فقهی‌شان به استناد روایات وارده در این باب فرموده‌اند: «هرگاه دو نفر شهادت دروغ بر گنهکاری متهمی دهند و قاضی شرع به استناد شهادت آنان حکم به مجرمیت او کند و حکم به مرحله اجرا گذاشته شود و سپس شهود از گفته خود برگردند و حقیقت حال را بیان کنند، آنان (شهود) ضامن و مسؤول خواهند بود و برحسب مورد، حدود مسؤولیت آنان متفاوت است؛ چنان که اگر حکم، اعدام و شهادت دروغ، عمدی بوده و مسؤولیت آنان قتل عمدی است و اگر در همین فرض، شهادت دروغ آنان خطایی بوده، مسؤولیت آنان قتل خطایی و پرداخت دیه مقتول است.»

«راوی از امام صادق علیه‌السلام درباره مردی متأهل که چهار نفر شهادت زنا برایش داده‌اند و حاکم حکم به قتل او کرده و او کشته شد، لکن یکی از شهود از شهادتش برگشته است، سؤال کرد که حکمش چیست؟ حضرت فرمودند: اگر شاهدی که رجوع کرده مدعی اشتباه است، باید دیه مقتول را بپردازد و اگر می‌گوید: عمداً دروغ گفته‌ام، قصاص می‌شود» (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

بررسی سندی: راویان این حدیث مانند حدیث نخست موثق هستند.

## ۲-۴- اجماع

اجماع فقها و علما نیز بر قاعده اتلاف وارد شده است، گرچه در موارد وجود دلیل قرآنی و روایی نیاز به اجماع نیست (مشایخی، ۱۳۸۲: ۷).

شیخ الطائفه در مبسوط نقل می‌کند: «اگر حیوانی زراعتی را که در دست دیگران است از بین ببرد، در صورتی که صاحب حیوان بر آن مسلط باشد، ضامن زراعت از بین رفته است.»

## ۳- تسبیب در حقوق کیفری

### ۳-۱- تسبیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

تسبیب در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، در ماده ۵۰۶ چنین تعریف شده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی به تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.»

ملاحظه می‌شود که این تعریف عیناً همان تعریف حقوق مدنی از سبب است. اما راجع به شرایط تسبیب نیز از دقت در مواد مربوطه در قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۰۷ تا ۵۳۷) ملاحظه می‌شود که دقیقاً همان شرایطی که برای تحقق تسبیب در حقوق مدنی وجود داشت و به آن اشاره شد در قانون مجازات اسلامی هم وجود دارد که از جمله آن تقصیر یا تعدی و تفریط است. برای نمونه هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری شود، ضامن دیه است، مگر اینکه فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد کند». همچنین طبق ماده ۵۱۲ این قانون: «هرگاه شخصی در محل‌هایی که توقف در آن‌ها مجاز نیست توقف کند یا شیء و یا حیوانی را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و دیگری بدون توجه به آن‌ها در اثر برخورد یا لغزش مصدوم شود یا فوت کند یا خسارت مالی ببیند، شخص متوقف یا کسی که آن شیء یا حیوان را مستقر نموده یا راه را لغزنده کرده است، ضامن دیه و سایر خسارت می‌باشد...». مسلم است که مسؤولیت چنین کسی به خاطر تقصیر او می‌باشد، زیرا گذاشتن شیء در محل غیرمجاز یا ریختن ماده‌ای لغزنده در شوارع عمومی عملی غیرعقلانی و قابل سرزنش است. به طور کلی، با تأمل در مواد قانون مجازات اسلامی می‌توان به لزوم وجود

بررسی دلالتی: در اینجا دو نفر آسیب دیده‌اند. آسیب‌دیده اول به دست مرد هُل دهنده مباشرةً آسیب‌دیده است، اما آسیب‌دیده دوم که مورد بحث ماست به وسیله حیوان رم کرده، اما حیوان، اختیار مسؤولیت‌آور ندارد. پس فردی که آن را رم داده، یعنی آسیب‌دیده نخست، ضامن است، اما وی نیز ضامن نیست؛ چراکه وی در رم دادن حیوانش مختار نبوده و بر اثر هُل داده شدن به دست فردی دیگر، موجب رم دادن حیوان شده است، پس هُل دادن مرد هُل دهنده، سبب ضرر به آسیب‌دیده دوم شده است و مرد هُل دهنده، ضامن ضرر به آسیب‌دیده اول به ضمان مباشرت و ضامن ضرر به آسیب‌دیده دوم به ضمان تسبیب است. از نکات تأمل‌برانگیز آن است که با اینکه بین آسیب‌دیده دوم و مرد هُل دهنده، دو واسطه وجود دارد، امام (ع) ضامن ضرر را مرد هُل دهنده معرفی می‌کند.

درت مامی احادیث پیش گفته، امام (ع) فقط در مقام بیان تعیین مسبب ضرر و ضامن به ضمان تسبیب بوده است، اما در مورد اینکه آن‌ها با قصد قبلی این اسباب را ایجاد کرده‌اند تا مستوجب قصاص شوند یا بدون قصد قبلی، این احادیث ساکن هستند. با تکیه بر احادیث قصاص و دیات می‌توان دریافت که اگر آن‌ها با قصد قبلی این اسباب را فراهم کرده باشند، مستوجب قصاص خواهند بود و در غیر این صورت، ضامن جبران خسارت‌اند.

## ۲-۳- بناء عقلا

علاوه بر دلالت آیات و روایات فراوان بر این قاعده عقلا و عرف جامعه نیز به این قاعده در امور زندگی خود تمسک و براساس آن حکم می‌کنند. هرگاه کسی مال دیگری یا منافع دیگری را تلف کند، ضامن است و باید غرامت آن را بپردازد و چه بسا عقل و عرف قلمرو و دایره قاعده را وسیع‌تر دانسته و از مال و منافع پا را فراتر نهاده و در باب عرض و آبرو و شرف نیز آن را جاری دانسته‌اند. برای مثال در قوانین راهنمایی و رانندگی راننده متخلف مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد و یا در صورت تصادف منجر به قتل دیه را از او می‌گیرند یا اگر سبب نقص عضو طرف مقابل بشود، به میزانی که در شرع مقدس معین شده به خسران دیده دیه می‌پردازد.

مباحث حقوق مدنی هم به همین نحو است (طباطبائی، ۱۳۹۳: ۲۷۹).

### ۳-۲- شرایط تحقق مسؤلیت کیفری

همراه با مقررات قانونی، حقوقدانان کیفری هم در تعریف سبب و درباره شرایط تحقق مسؤلیت کیفری مسبب، مطالب مشابهی دارند. عبدالقادر عوده درباره سبب می‌گوید: «سبب آن است که جرمی را با واسطه ایجاد می‌کند، منتها علت جرم نیست، چنانکه اگر نباشد، جنایت نیز محقق نمی‌شود، ولی وقوع آن نیز با وقوع نتیجه ملازمه ندارد. مثل وقتی که شهادت به قاتل بودن کسی دهند و در نتیجه آن حکم قصاص او صادر شود. در این حالت، علت مرگ طرف عمل مأمور اجرای حکم است، اما سبب این حکم شهادتِ شاهد می‌باشد که مستقیماً مرگ طرف را حاصل نمی‌کند» (عوده، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

حقوقدانان کیفری برای تحقق مسؤلیت کیفری مسبب در جرایم هم حصول شرایطی را که تأییدکننده فرضیه یگانگی سببیت در فقه، حقوق مدنی و کیفری است به شرح ذیل لازم می‌دانند:

#### ۳-۲-۱- همراهی دو عنصر تقصیر و سوءنیت با فعل فاعل

فعل فاعل باید همراه با تقصیر و سوءنیت باشد (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۲۴). مسؤلیت ناشی از تسبیب نیاز به فعلی دارد که از لحاظ حقوق کیفری نهی شده باشد. مثلاً تاجر اسلحه‌ای که جواز این نوع تجارت را دارد، سلاح به شخصی بفروشد که او نیز جواز حمل آن را دارد، ولی او با این سلاح ثالثی را به قتل می‌رساند، در این حالت، نمی‌توان فروشنده سلاح را سبب جنایت دانست چون عمل او غیرقانونی نیست. (نجیب‌حسینی، ۱۳۸۶: ۵۵).

#### ۳-۲-۲- تحقق نتیجه مجرمانه

برای تحقق مسؤلیت کیفری، خسارت و به عبارت دیگر، نتیجه مجرمانه باید محقق شود (صانعی، ۱۳۸۲: ۳۲۴). بر فرض، عمل مجرمانه‌ای واقع شود، اما نتیجه‌ای را به بار نیاورد، دلیلی برای ایجاد مسؤلیت کیفری وجود ندارد. به همین جهت، بحث مسؤلیت ناشی از تسبیب فقط در جرایم مقید اهمیت دارد، زیرا در جرایم مطلق صرف ارتکاب عملی خاص جرم محسوب می‌شود و مجازات در پی دارد و تحقق نتیجه اهمیتی ندارد (پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۶۰). برای مثال صرف ارائه سند مجعول جرم است، چه ارائه‌کننده سند بهره‌ای از آن سند ببرد و چه بهره‌ای نبرد، درحالی‌که در جرم قتل که جرمی مقید است تا

تقصیر در فعل مسبب برای اثبات مسؤلیت کیفری پی برد (صادقی، ۱۳۷۶: ۸۴-۸۰؛ پوربافرانی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵).

شرط دوم نیز مانند مباحث حقوق مدنی وقوع جنایت یا ایراد خسارت، در نتیجه عمل مسبب می‌باشد، همان‌طور که در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی هم ذکر شده است: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند...»، پس، تا نتیجه مجرمانه حاصل نشود، نمی‌توان برای مسبب مسؤلیتی در نظر گرفت، حتی اگر فعل او خطا بوده باشد و از نظر عرف و قانون، سرزنش شود.

شرط سوم، برگرفته از ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ است که بیان می‌کند: «در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است، مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد». این شرط هم دقیقاً در مباحث حقوق مدنی وجود دارد که به آن اشاره شد. ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که جایگزین این ماده شده است، بدون اینکه از لحاظ ماهیتی تفاوتی با آن داشته باشد، اصطلاح سبب اقوی از مباشر را به کار نرفته است. طبق این ماده: «... در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آن‌ها باشد، فقط سبب ضامن است.» بدیهی است علت ضامن بودن سبب در این موارد اقوا بودن آن از مباشر است.

شرط چهارم این است که بی‌مبالاتی و تقصیر خود زیان‌دیده، یا حتی اقدام آگاهانه او بر وقوع حادثه دامن زده باشد. برای مثال وقتی شخصی که سم در غذای او ریخته شده، متوجه وجود سم شده و آن را عالمماً و عمدی می‌خورد، نمی‌توان سبب را قاتل دانست. یا وقتی شخصی که چاهی در مسیر او حفر شده، متوجه وجود چاه شده و عالمماً عمداً خود را درون آن می‌اندازد، نمی‌توان حفرکننده، یعنی سبب را قاتل دانست.

زیرا در این حالت‌ها، ورود ضرر مشمول قاعده اقدام می‌شود و زیان‌دیده خود، مسؤول زیان وارد بر خویش است. همان‌طور که در ذیل ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز گفته شده است، اگر عابر آسیب‌دیده با وجود وسعت راه و محل عمداً با وسایل مستقر در محل غیرمجاز برخورد کند، دیگر نمی‌توان مسؤولیتی برای کسی که آن‌ها را گذاشته است، در نظر گرفت. به هر حال، این شرط هم به امور کیفری اختصاص ندارد و در

### ۳-۴- موجبات ضمان در حقوق کیفری

قانون مجازات اسلامی در بحث موجبات ضمان، از روش خاصی پیروی نکرده است، بلکه مواد به گونه‌ای تنظیم شده که گاه عناوینی مانند «مباشر» و «سبب» دارای موضوعیت می‌باشد، چنانکه ماده ۳۶۳ موهوم این معناست. گاه نیز چنین برخی مواد به گونه‌ای است که گویی عدوانی بودن عمل، معیار ضمان است؛ در مواد ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۴، ۳۴۸ و ۳۶۴ این امر مشهود می‌باشد. از برخی مواد نیز استفاده می‌شود که تقصیر، عامل تعیین کننده ضمان است. مواد ۳۴۷، ۳۵۱ و ۳۵۳ و ۳۵۷ را باید از جمله این مواد دانست. از ظاهر موادی مانند ۳۴۲، ۳۶۰ و ۳۶۱ نیز چنان برمی‌آید که صرف استناد، برای ضمان کافی می‌باشد. در جمع این مواد باید گفت: صرف استناد عرفی، جهت ضمان کفایت می‌کند، اما عدوانی بودن عمل و تقصیر (اعم از سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و رعایت نکردن مقررات)، از عناصری هستند که موجب استناد عرفی حادثه به عامل آن می‌شوند. بنابراین، بازگشت موارد دیگر نیز به ضابطه «استناد» است، حتی دلیل اینکه در صورت اجتماع سبب و مباشر، قانون‌گذار، مباشر را ضامن می‌داند، آن است که در نظر وی با وجود مباشر، دیگر حادثه به سبب منتسب نیست و نه آنکه با وجود انتساب حادثه به سبب، اثر آن منتفی تلقی شده باشد (علیدوست و بای، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۱).

در مواد قانون مدنی و قانون مجازات، نمی‌توان موردی را یافت که استناد عرفی وجود نداشته باشد، ولی ضمان ثابت باشد، اما موارد متعددی مشاهده می‌شود که عمل مشروع بوده، ولی ضمان ثابت است (مانند ضمان طبیب در صورت عدم اخذ براءت) و نیز مواردی که تفریطی صورت نگرفته، ولی ضمان وجود دارد (مانند ضمان صاحب خانه در قبال صدماتی که حیوان درون منزل به میهمان وارد می‌سازد).

### ۳-۵- تعیین شخص ضامن در اجتماع موجبات

گاه اجتماع سبب با مباشر، اجتماع چند سبب با هم، یا اجتماع چند مباشر با هم که از آن به تزامم یا اجتماع اسباب نیز تعبیر می‌شود - جنایت یا خسارت را به وجود می‌آورند.

بحث اجتماع مباشرین، در قانون مجازات اسلامی به دو صورت تصویر شده است:

نتیجه سلب حیات واقع نشود، نمی‌توان جرم را محقق دانست و مسؤولیتی را برعهده سبب یا مباشر گذاشت (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۶۵). در جرایمی که ترتب نتیجه بر رفتار متهم ملاک نیست، حصول نتیجه نیز اهمیت ندارد. در حقوق کشورهای عربی نیز راجعه به این مسأله بحث شده است و گفته‌اند: «در جرایمی که بدون حصول نتیجه، محقق می‌شود، رابطه سببیت جایی ندارد» (نجیب‌حسینی، ۱۳۸۶: ۷۱).

### ۳-۲- اثبات رابطه سببیت

اثبات رابطه سببیت میان فعل انجام گرفته و نتیجه مجرمانه است که در نتیجه آن مسؤولیت کیفری محقق می‌شود. به این مفهوم که به طور عرفی و منطقی، باید بتوان عملی را که انجام گرفته علت نتیجه مجرمانه دانست و با اثبات این رابطه می‌توان نتیجه زیان‌بار را به فاعل منتسب کرد.

### ۳-۳- اجتماع سبب و مباشر در حقوق کیفری

بحث دیگری که درباره مسؤولیت مسبب مطرح است، راجعه به اجتماع سبب و مباشر می‌باشد. در امور کیفری نیز دقیقاً مانند امور مدنی که بیان شد، در صورت اجتماع سبب و مباشر اصولاً مباشر مسؤول است، مگر اینکه سبب اقوای از آن باشد. برای مثال اگر کسی چاهی بکند (سبب) و دیگری فردی را داخل چاه بیندازد (مباشر)، در این حالت مسلماً مباشر مسؤول است (شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۲۰۶). اما اگر سبب اقوای از مباشر باشد، مثل اینکه مباشر، جاهل، حیوان، صغیر یا مجنون باشد، مسؤولیت برعهده سبب می‌باشد، چون مباشر در اینجا فقط در حکم وسیله است یا کسی در اثر شهادت دروغ محکوم به قصاص شود و مأمور اجرای حکم، او را بکشد. در این مثال هم مباشر همان مأمور اجرای حکم می‌باشد، ولی چون علت حقیقی مرگ شهادت مسبب است و مباشر نسبت به حقیقت جاهل بوده، نمی‌توان مباشر را مسؤول دانست. گاهی نیز با وجود آنکه نقش مسبب انکارنشده است، باز هم نمی‌توان مسبب را مسؤول دانست، مثل اینکه مجنی‌علیه در ایراد خسارت به خودش، نقش داشته باشد. مانند اینکه در راه عبور وسیله نقلیه‌ای بایستد، به گونه‌ای که راننده اتومبیل نتواند آن را پیش‌بینی کند و از تصادف با مجنی‌علیه جلوگیری کند. در این حالت نیز مسؤولیت مسبب منتفی می‌باشد، چون مجنی‌علیه خودش علیه خود، اقدام کرده است.

## ۳-۵-۱- صورت اول

مربوط به جایی است که چند نفر جنایتی را در حق شخص خاصی مرتکب شوند که از آن در اصطلاح، به شرکت در جنایت تعبیر می‌شود. فصل سوم از باب نخست کتاب قصاص قانون مجازات، به این نوع اختصاص یافته است.

## ۳-۵-۲- صورت دوم

مربوط به جایی است که دو یا چند نفر هم‌زمان در حق یکدیگر جنایت کنند که این حالت، اشتراک در جنایت نامیده می‌شود. باب ششم از کتاب دیات قانون مجازات، به بیان احکام این قسم اختصاص یافته است.

صرف نظر از اینکه آیا این تقسیم‌بندی درست است یا نادرست، باید توجه داشت که در شرکت، یک طرف جانی و طرف دیگر مجنی‌علیه می‌باشد و در اشتراک، یک طرف در عین حال که جانی است مجنی‌علیه نیز هست. بحث شرکت در جنایت به‌طور مبسوط در کتاب‌های مختلف بررسی شده است. از این‌رو، در این گفتار از بحث اجتماع مباشرین، تنها به اشتراک در جنایت، در کنار موضوع اجتماع اسباب و اجتماع سبب و مباشر، اشاره می‌شود. بدیهی است نتیجه‌ای که در اینجا از بحث اجتماع موجبات به‌دست می‌آید، در بحث شرکت در جرم نیز اثرگذار می‌باشد؛ از جمله، مسؤولیت مشترک شرکای جرم را در فرضی که شدت عمل آن‌ها متفاوت است، زیر سؤال می‌برد، به‌خصوص در مواردی که این تفاوت بسیار زیاد باشد.

## ۳-۶- اجتماع مباشرین (اشتراک در جنایت)

آنچه را قانون مجازات اسلامی در مواد ۳۳۴ و ۳۳۵ مقرر داشته، ترجمه فرعی است که در بسیاری از متون فقهی با عنوان «إذا اصطدم حران بالغان عاقلان فماتا أو مات أحدهما»، در باب مباشرت ذکر شده است. مفروض فقهایی که متعرض این مسأله شده‌اند، این است که دو نفر سواره یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده، به‌هم برخورد کنند و هر دو با یکی از آن‌ها کشته شود، بنابراین، در صورتی که کسی بر اثر برخورد وسیله نقلیه کشته شود، از مفروض بحث خارج می‌باشد. فقیهانی که متعرض این مسأله شده‌اند، نوعاً بین صورت تفریط و تقصیر و غیر آن در ضامن، فرقی نگذاشته‌اند و تنها در صورتی که یکی از طرفین تصادم، در ایجاد تصادم نقشی نداشته باشد، از وی سلب مسؤولیت کرده‌اند. علت ضامن طرفین تصادم، شرکت آن‌ها در

جنایت علیه خود و طرف مقابل دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۷: ۲۷۲).

در صورت کوتاهی و تقصیر یک طرف و تقصیر نداشتن طرف مقابل، چگونه می‌توان ضامن را متوجه هر دو دانست و بین آن‌ها تفاوتی قائل نشد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت: بدون تردید، اقتضای اطلاق متن قانون و بسیاری از متون فقهی - چنانکه گذشت - نبودن تفاوت بین فرض تقصیر و غیرتقصیر است؛ مگر اینکه حادثه به‌نحوی باشد که «تصادم» بر آن صدق نکند، ولی برخی فقها در فرض تقصیر یکی از طرفین تصادم، طرف غیرمقصر را ضامن نمی‌دانند (موسوی اردبیلی، ۱۴۱۶: ۲۱۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۱۵؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸: ۶۳).

وجه یا دلیل نظریه هر دو گروه، روشن است: گروه نخست با استناد به اینکه تقصیر و عدم تقصیر در اسناد اتلاف نقشی ندارد و آنچه موجب ضامن می‌شود، اسناد اتلاف می‌باشد و این اسناد در هر دو فرض وجود دارد، نظر خود را توجیه‌پذیر می‌دانند.

در مقابل، گروه دوم مدعی است: ضامن تنها در صورت تحقق تسبیب و تعدی است و از این روی، فقط مقصر ضامن می‌باشد. به‌نظر می‌رسد، نه قول مشهور به اطلاق پذیرفتنی باشد و نه قول مقابل آن؛ بلکه باید گفت: هرگاه راننده‌ای مقصر با راننده غیرمقصر تصادم کند، سه حالت متصور است:

۱- علت حادثه فقط راننده مقصر است و راننده غیرمقصر در نظر عرف هیچ‌گونه مدخلیتی در تصادف ندارد. در چنین فرضی، فقط راننده مقصر ضامن است؛ مانند آنکه راننده‌ای به دلیل انحراف به چپ و تغییر مسیر ناگهانی، با اتومبیلی که از سمت مقابل و با سرعت مجاز در حال حرکت می‌باشد، برخورد کند. در این صورت، فقط راننده مقصر ضامن خواهد بود؛ زیرا تصادم تنها به او منتسب است.

۲- علت حادثه و تصادم، رفتار هر دو راننده است. در این صورت که انتساب به هر دو طرف وجود دارد، هریک از دو راننده، ضامن نصف دیه راننده مقابل، خسارت‌های وارد بر خودروی او، و نصف دیه تمام سرنشینان هر دو خودرو می‌باشد.

۳- علت حادثه و تصادم، راننده غیرمقصر بوده و راننده مقصر با اینکه در رانندگی خود تفریط کرده است (مانند اینکه فاقد



تصادف نداشتته است، فقط طرف مقصر ضامن است، به دلیل اینکه عرف در چنین مواردی، تصادم را تنها به یک طرف منتسب می‌کند. روایتی از امام موسی کاظم (ع) نیز مؤید این معناست. در این روایت آمده است: زمانی که قائم ما قیام کند، به سواران چنین فرماید که از وسط معبر عبور کنند و رهگذران پیاده از دو کناره معبر. در این صورت، اگر سواری به کناره معبر آمده، مرکبش آسیبی به پیادگان برساند، ضامن خواهد بود و اگر پیاده‌ای به وسط معبر آمد و از ناحیه مرکب ما زبانی ببیند، دیه‌ای به او تعلق نخواهد گرفت (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۲۴۳).

### ۳-۷- اجتماع سبب و مباشر

به نظر مشهور فقیهان، در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است؛ مگر اینکه سبب قوی‌تر از مباشر باشد (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۱۲۰۸). به این حکم در ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۳۲ قانون مدنی نیز تصریح شده است.

برخی فقها در این مسأله ادعای اجماع یا عدم خلاف کرده و آن را از مسلمات شمرده‌اند، ولی در مورد ضمان مباشر در صورت اجتماع آن با سبب، روایت خاصی وارد نشده است که بتوان به اطلاق آن عمل کرد؛ همچنانکه در این مورد اصلی وجود ندارد که ضمان را متوجه مباشر کند.

به طور کلی، در مورد اجتماع سبب و مباشر، سه حالت متصور است:

۱- مباشر قوی‌تر از سبب است: در این صورت به اعتقاد مشهور فقیهان، تنها مباشر ضامن می‌باشد و سبب مسؤولیتی ندارد (شهید ثانی، ۱۴۱۷: ۳۸۰).

طبق این دیدگاه، هرگاه شخص «الف» چاهی حفر کند و شخص «ب» فردی را به درون آن بیندازد، شخص «ب» ضامن خواهد بود. دلیل ضمان شخص دوم (مباشر)، آن است که اتلاف فقط به او منسوب می‌باشد.

برخی فقها بر ضمان مباشر به دلیل قوی‌تر بودن آن، چنین اشکال کرده‌اند:

این حکم، جای تأمل دارد؛ زیرا قوی‌تر بودن مباشر، ضمان را از عهده مسبب بر نمی‌دارد؛ چون مقتضی ضمان، نسبت به او نیز وجود دارد.

مهارت لازم در رانندگی بوده یا سرعت زیاد و غیرمعارف داشته و یا ...) اما تفریط او هیچ‌گونه مدخلیتی در تصادم ندارد. در این صورت، فقط راننده غیرمقصر ضامن می‌باشد؛ برای مثال، هرگاه اتومبیلی که در حال حرکت است ناگهان دچار نقص فنی غیرقابل پیش‌بینی مانند بریدگی ترمز و امثال آن شود و راننده آن برای اینکه با عابران پیاده برخورد نکند، تغییر مسیر ناگهانی داده، به خودرویی که از جهت مقابل در حرکت است، برخورد کند، در این صورت راننده‌ای که تغییر مسیر داده، ضامن می‌باشد، زیرا او علت حادثه بوده و اتلاف به او منتسب است، هرچند مرتکب تقصیری نشده و اما راننده دیگر با اینکه مرتکب تقصیر شده، اما از آنجا که این تقصیر مدخلیتی در تصادم نداشتته، ضامن نیست.

ظاهراً نظر مشهور نیز جز این نیست و اگر بین مقصر و غیرمقصر تفکیک نکرده‌اند، نظر به موردی داشته‌اند که حاده به هر دو منسوب می‌باشد. شاهد این احتمال، عبارت‌های برخی فقهای قائل به مشهور است که در نهایت، معیار را استناد حادثه به هر دو یا یکی دانسته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۲).

علاوه بر آن، می‌توان اطلاق کلام فقهایی را که در صورت تصادم مقصر و غیرمقصر، فقط راننده مقصر را ضامن می‌دانند - چنانکه از لابه‌لای کلام آن‌ها به دست می‌آید - ناظر به موردی دانست که نقش راننده مقصر به گونه‌ای است که علت تصادم و حادثه فقط اوست؛ درحالی که طرف غیرمقصر هیچ‌گونه دخالت و علیتی در تصادم و حادثه نداشتته است. به این ترتیب، می‌توان گفت که اصولاً نزاعی بین قول مشهور با قول مخالف در مسأله وجود ندارد.

آنچه موجب ضمان طرفین تصادم در باب اشتراک در جنایت است، مسأله انتساب تصادم به طرفین می‌باشد، بدون اینکه تقصیر و عدم تقصیر، در اثبات و نفی ضمان تاثیر مستقیم داشته باشد؛ هرچند گاه نداشتن تقصیر، در نفی استناد حادثه به شخص، تأثیر دارد. در چنین مواردی، عمل یکی از طرفین تصادم، به قسمی است که از نظر عرف عام یا خاص، تصادم فقط به او منتسب است؛ از این رو فقط او ضامن می‌باشد. بنابراین، هرگاه علت تصادم، تخلف یک طرف از مقررات راهنمایی و رانندگی باشد، مانند آنکه علت تصادم، نادیده گرفتن وضعیت چراغ قرمز، انحراف به چپ و ... باشد، درحالی که طرف دیگر تصادم، هیچ‌گونه تقصیری مرتکب نشده و نقشی در ایجاد

قرار داده شود که اگر چنین شود، انتساب صدمه گاه فقط متوجه مباشر، گاه متوجه سبب و مباشر، و گاه فقط متوجه سبب خواهد بود.

۳) سبب قوی‌تر از مباشر است: هرگاه سبب قوی‌تر از مباشر باشد، به اعتقاد مشهور فقیهان ضمان متوجه او خواهد بود.

در برابر این دیدگاه، برخی قوت سبب را نیز همچون قوت مباشر عامل ضمان نمی‌شناسند؛ به دلیل اینکه قوی بودن سبب، مسؤلیت را از دوش مباشر به طور کامل بر نمی‌دارد، مگر آنکه اساساً استنادی به مباشر وجود نداشته باشد.

به نظر می‌رسد، هرگاه اجتماع سبب و مباشر، موجب جنایتی شود، مقتضای قاعده آن است که ضمان متوجه عاملی شود که تلف یا خسارت به او منسوب است؛ خواه عامل یاد شده سبب باشد یا مباشر و اگر حادثه به هر دو استناد عرفی داشته باشد، هر دو ضامن خواهند بود، حتی اگر تأثیر یکی از این دو عامل، کمتر از دیگری باشد، باز هم می‌توان در صورت استناد عرفی حادثه، هر دو را ضامن شمرد. بنابراین، معیار ضمان، با توجه به فقدان نص خاص و عدم خصوصیت مباشرت، تنها استناد عرفی حادثه است و اما اینکه مشهور فقیهان در اجتماع سبب و مباشر، در صورت قوی‌تر نبودن سبب، حکم به ضمان مباشر داده‌اند. چنانکه گفته شد بدان دلیل است که ایشان در حالت اجتماع سبب و مباشر، استناد حادثه به مباشر را مفروض گرفته‌اند، نه آنکه با وجود صحت استناد به هر دو عامل، فقط قائل به ضمان مباشر باشند. شاهد این ادعا، عبارات برخی از قائلان به قول مشهور است؛ از جمله برغانی می‌نویسد:

هرگاه مجتمع شود سبب و مباشر، ضامن است مباشر به شرط قوت مباشر و رجحان او یا تساوی هر دو در قوت به اتفاق اصحاب، زیرا که در عرف، اسناد فعل از قتل و اتلاف در این صورت به مباشر داده می‌شود (برغانی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

چنانکه پیش از این نیز بیان شد، از آنجا که ضابطه ضمان، صحت استناد عرفی جنایت است و از سوی دیگر نص خاصی در موارد اجتماع سبب و مباشر وجود ندارد که موجب عدول از ضابطه شود، به ناچار باید دید در موارد اجتماع سبب و مباشر، استناد جنایت به مباشر است یا سبب و یا هر دو. حکم به ضمان مباشر در موارد تساوی نقش سبب و مباشر، برخلاف مبنای پذیرفته شده فقهاست. مثال‌هایی که فقها در موارد

با کاوش در متون فقهی، به نظر می‌رسد مشهور فقها به مصداق روشنی از اجتماع سبب و مباشر نظر داشته‌اند که استناد تلف در آن موارد، متوجه مباشر بوده است؛ وگرنه بعید است آن‌ها در تمام مواردی که سبب به ظاهر قوی‌تر از مباشر نیست، ضمان را تنها متوجه مباشر بدانند. برای مثال، هرگاه شخصی که شنا می‌داند، در دریا و در فاصله چند کیلومتری ساحل باشد و دو نفر دیگر با تبنای هم، یکی او را به دریا بیندازد و دیگری قایق وی را از دسترسش دور کند، بعید است که تنها نفر اول (مباشر) را ضامن بدانند؛ چه اینکه عمل او به تنهایی نمی‌توانست تلف را به دنبال داشته باشد، بلکه در نظر عرف، دور کردن قایق از دسترس، موجب تلف شده است یا دست‌کم انتساب تلف به هر دو وجود دارد. با اینکه این مورد، از موارد قوی‌تر بودن سبب در کلمات فقها شمرده نشده است که مسؤلیت دورکننده قایق با آن توجیه شود. همچنین اگر شخصی با تبنای دیگری، فرد ثالثی را مجروح کند و شخص دیگر با بستن در به روی او، مانع خروج مجروح از اتاق شود، در صورتی که جراحت به گونه‌ای باشد که به آسانی درمان می‌شد، ولی عدم امکان خروج از آن محل و منتفی شدن درمان، موجب مرگ مجروح گردد، در این مورد نیز حکم به ضمان مباشر (مجروح‌کننده) و تبرئه سبب (قفل‌کننده در) از ضمان، مشکل به نظر می‌رسد.

۲) مباشر و سبب با هم مساوی هستند: در این فرض نیز مشهور فقیهان تنها مباشر را ضامن می‌دانند.

دلیل ضمان مباشر در این حالت نیز استناد تلف به مباشر ذکر شده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۱۰۴).

در برابر دیدگاه مشهور، برخی فقها ضمان هر دو را ترجیح داده‌اند (رشتی، ۱۳۲۲: ۹۱) و برخی دیگر نیز تعیین شخص مسؤول را به داوری عرف واگذار کرده و گفته‌اند:

از آنجا که منشأ و علت ضمان - همان‌گونه که از نصوص و فتاوی استفاده می‌شود - اتلاف است، معیار، صدق عنوان متلف می‌باشد (که هر جا عنوان تلف‌کننده صادق باشد، ضمان ثابت است) و اما علت طرح مباحثی مانند سبب و مباشر در عبارات فقها تنها به جهت قاعده‌مند ساختن مصادیق تلف عرفی می‌باشد؛ وگرنه هیچ دلیلی بر (موضوعیت) عناوینی چون سبب و مباشر و مقدم بودن یکی بر دیگری نسبت به ضمان وجود ندارد. پس شایسته است که معیار ضمان، صدق (انتساب) عرفی

احراز انتساب و استناد خسارت به فعل متلف یا مسبب لازم است. در صورت اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع اسباب، باید توجه داشت که کدام یک از مباشر، سبب یا اسباب از نظر نقل و موازنه در انتساب عمل به آن بر دیگری برتری دارد تا بتوان آن را ضامن شمرد، در صورت تساوی ضمان برعهده جمع خواهد بود.

- بخش قابل توجهی از مواد قانونی، به اتلاف به تسبیب اختصاص داده شده است. مواد ۳۱۶، ۳۱۸ و ۳۴۰ الی ۳۶۶ قانون مجازات اسلامی و نیز مباحث مربوط به تسبیب در قانون مدنی، موضوع مواد ۳۳۱ الی ۳۳۵، از اهم این مباحث هستند.

با توجه به اهمیت و کارآمدی این مسأله در امور قضایی، قوانین ما نتوانسته تعریف دقیقی از «سبب» ارائه دهد و همین امر موجب شده تا برخی حقوقدانان از سویی و قضات از سویی دیگر، در تشخیص ملاک و معیار و بالتبع، تشخیص مصادیق تسبیب دچار مشکل شوند.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارم.

**سهم نویسندگان:** نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

#### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- انتظاری، علیرضا و محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۱). «نقش قواعد اتلاف و تسبیب در مسؤولیت مدنی زیست محیطی». مطالعات اسلامی: فقه و اصول، ۴۴ (۸۹): ۶۱-۴۱.
- آقایی‌نیا، حسین (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- آل فقیه عاملی، محمدتقی (۱۳۸۲). قواعد الفقهیه. لبنان: بی‌نام.

اجتماع سبب و مباشر نقل کرده‌اند، به‌گونه‌ای است که استناد تلف و صدمه به مباشر در آن موارد، نزدیک به ذهن است:

۱- شخصی اقدام به ریختن نفت و سوزاندن دیگری می‌کند یا گاز مسموم و کشنده را در فضای اتاق منتشر می‌سازد و شخص ثالثی که با مرتکب تبانی کرده است، در را به روی مجنی‌علیه می‌بندد و مانع فرار و نجات او می‌شود، درحالی که اگر در روی مجنی‌علیه بسته نمی‌شد، مصدوم به آسانی قادر به نجات جان خویش بود. آیا در این مورد، عرف به صرف اینکه مسدودکننده در، نقش سببی در وقوع نتیجه داشته است، میرا از مسؤولیت شناخته می‌شود؟

۲- دو نفر به قصد قتل و با تبانی یکدیگر، یکی جراحی بر دیگری وارد می‌سازد و دومی، مجنی‌علیه را به استفاده از دارویی مضر راهنمایی می‌کند و مجنی‌علیه بر اثر جراحت و آثار دارویی مضر می‌میرد. در این صورت که قتل، هم مستند به جراحت است و هم استفاده از داروی مضر، آیا می‌توان مسبب را (کسی که مجروح را به استفاده از داروی مضر فریفته است) به صرف اینکه به صورت مباشرت در جنایت نقشی نداشته، شریک در جنایت ندانست؟

۳- سه نفر با هم نقشه قتل شخصی را می‌ریزند و او را به دریا می‌برند. نفر اول، او را از قایق به دریا می‌اندازد؛ نفر دوم قایق را از دسترس مجنی‌علیه خارج می‌سازد؛ و نفر سوم نیز گشت ساحلی را از منطقه دور می‌کند تا مجنی‌علیه را نجات ندهند. در صورتی که صرف به دریا انداختن، به دلیل آشنایی مجنی‌علیه با فنون شنا، موجبی برای مرگ نباشد، بلکه ماندن طولانی در دریا و خستگی از شنا، به پایان استقامت و مرگ او بینجامد، آیا می‌توان فقط مباشر را ضامن دیه یا قصاص -حسب مورد- دانست؟

#### نتیجه‌گیری

- تسبیب یکی از اسباب و موجبات ضمان قهری است و از آنجایی که مسؤولیت مزبور بدون قرارداد و عقد حاصل می‌شود، آن را قهری می‌گویند.

- در تسبیب، جهت اثبات ضمان، قصد و علم به اضرار شرط نیست. از این رو اگر مرتکب، چه با قصد و نیت اضرار به غیر و چه بدون قصد مبادرت به عمل کند، در هر حال ضامن خواهد بود. همچنین در اثبات ضمان، چه در اتلاف و چه در تسبیب،

- پوربافرانی، حسن (۱۳۸۸). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- پوربافرانی، حسن، دلپاک یگانه، الهام و طباطبائی، محمدصادق (۱۳۹۳). «یگانگی یا دوگانگی تسبیب در حقوق مدنی و کیفری». حقوق خصوصی، ۱۱ (۲): ۲۹۰-۲۶۳.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). دانشنامه حقوقی. چاپ چهارم، جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حائری، علی (۱۳۸۲). شرح قانون مدنی. چاپ دوم، جلد نخست، تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسینی شیرازی، محمد (بی تا). کتاب قصاص. قم: دارالقرآن الحکیم.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۵). قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی. چاپ دوم، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- رضایی‌راد، عبدالحسین (۱۳۹۱). درسنامه قواعد فقه مدنی. چاپ نخست، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زراعت، عباس (۱۳۸۰). شرح قانون مجازات اسلامی، دیات. چاپ دوم، جلد نخست، تهران: نشر ققنوس.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). تحریرالعناوین (قواعد فقه به زبان ساده). چاپ نخست، تهران: انتشارات جنگل.
- سلیمی، صادق (۱۳۸۴). حقوق جزای عمومی. چاپ نخست، تهران: انتشارات تهران صدا.
- صادقی، محمدهادی (۱۳۷۶). حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). حقوق جزای عموم. چاپ نخست، تهران: انتشارات طرح نو.
- صانعی، یوسف (۱۳۷۷). مجمع المسائل. چاپ ۳، جلد ۱، قم: میثم تمار.
- طاهری نسب، یزدالله (۱۳۸۸). رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان. تهران: نشر دادگستر.
- علیدوست، ابوالقاسم و بای، حسینعلی (۱۳۹۱). «معیار ضمان». فقه اهل بیت علیهم‌السلام، (۷۱): ۱۰۵-۴۲.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲). موجبات ضمان. چاپ نخست، تهران: نشر میزان.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). قواعد فقه (بخش خصوصی). چاپ نخست، تهران: سمت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۹). حقوق مدنی (ضمان قهری). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۱). قواعد فقه مدنی. چاپ نخست، تهران: انتشارات سمت.
- محسنی، فرید و ملکوتی، نصیر (۱۳۹۲). «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». مجله حقوقی دادگستری، ۷۹ (۹۱): ۱۶۰-۱۳۶.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۶). قواعد فقه (بخش مدنی). چاپ شانزدهم، تهران: نشر علوم اسلامی.
- محمدصادقی، حسین (۱۳۸۷). حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص). چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۴). قواعد فقه. چاپ دوم، تهران: نشر یلدا.
- مرعشی شوشتری، محمدحسن (بی تا). «قاعده تسبیب». دیدگاه‌های حقوقی، (۲): ۲۱-۱.
- مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۹). دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام. چاپ نخست، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
- مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۸۲). قاعده‌های فقهی. چاپ نخست، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- میرحسینی، احمد و آب‌سواران، حسن (۱۳۹۳). «بازی‌پژوهی قاعده تسبیب و نقد قوانین آن، آموزه‌های فقه مدنی». دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۱۰): ۱۹۷-۱۲۵.

- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۳۷۴). مسالک الأفهام و شرائع الإسلام. ترجمه ابوالحسن محمدی، چاپ نخست، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۳۸۶). مباحث حقوقی شرح لمعه. به کوشش: اسدالله لطفی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مجد.

- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۰). الروضه البهیة. چاپ نخست، جلد ده، قم: انتشارات داوری.

- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۷). مسالک الأفهام. چاپ نخست، جلد ۱۲ و ۱۳ و ۱۵، قم: مؤسسه نشر معارف اسلامی.

- شیخ طوسی (۱۴۱۷). الخلاف. چاپ نخست، جلد پنج، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن (۱۳۸۷). المبسوط. جلد هفت، تهران: نشر مکتبه المرتضویه.

- طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹). العروه الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- طباطبایی، علی، ریاض المسائل. چاپ نخست، جلد هشت، بیروت: نشر الهادی.

- عوده، عبدالقادر (۱۳۷۳). حقوق جزای اسلامی. ترجمه ناصر قربان‌نیا، مهدی منصوری، نعمت‌الله الفت، چاپ نخست، تهران: نشر میزان.

- فاضل اصفهانی، محمدبن الحسن (۱۴۰۵). کشف اللثام. جلد دوم، قم: نشر کتابخانه گلیابگانی.

- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۸). تفصیل الشریعه (کتاب الديات). چاپ نخست، بی‌جا: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار.

- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۰۳). مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. تحقیق: مجتبی عراقی و دیگران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- محقق اردبیلی، احمد (۱۴۱۱ق). مجمع الفائده و البرهان. تحقیق: مجتبی عراقی، علی پناه اشتهازدی و حسین یزدی، چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- نجیب حسنی، محمود (۱۳۸۶). رابطه سببیت در حقوق کیفری. ترجمه علی عباس‌نایب زارع، چاپ دوم، مشهد: انتشارات علوم اسلامی رضوی.

#### ب. منابع عربی

- برغانی، محمدتقی (۱۳۸۲). الديات. تحقیق عبدالحسین شهیدی، چاپ نخست، بی‌جا: انتشارات حدیث امروز.

- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: آل بیت (ع).

- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۰۹). الفقه. چاپ دوم، جلد نود، بیروت: نشر دارالعلوم.

- حسینی عاملی، سید محوود جواد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلام. تحقیق و تعلیق محمدباقر خالصی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- حسینی مراغی، عبدالفتاح (۱۴۱۷). عناوین الاصول. چاپ نخست، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام. چاپ نخست، جلد سوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.

- خوبی، ابوالقاسم (۱۴۰۷). مبانی تکمله المنهاج. جلد دوم، قم: انتشارات لطفی.

- رشتی، حبیب‌الله (۱۳۲۲). رساله فی الغصب. تهران: چاپ سنگی.

- رشتی، حبیب‌الله (۱۳۸۸). کتاب الغصب. چاپ نخست، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

- سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام. چاپ چهارم، قم: المنار.

- شهید اول، شمس‌الدین (۱۴۱۱ق). الروضه البهیة. چاپ نخست، قم: انتشارات دارالفکر.

- شهید اول، شمس‌الدین (۱۴۱۷ق). غایه المراد فی شرح نکت الارشاد. چاپ نخست، جلد ۴، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

- محقق اردبیلی، احمد (بی تا). زبده البیان فی احکام القرآن. چاپ نخست، تهران: المکتبه الجعفریه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۴۱۶ه.ق). فقه الدیات. چاپ نخست، قم: نشر مکتبه امیرالمؤمنین.
- موسوی خویی، ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهه. تقریر محمدعلی توحیدی، بی جا: بی نا.
- نجاشی، احمدبن علی (۱۴۲۴ه.ق). رجال النجاشی. تحقیق موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ ۷، جلد ۴۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۳). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ چهارم، تهران: نشر دارالکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.





## A Study of the Rule of Intercession in Imami Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System

**Malihe Abolghasemi<sup>1</sup>**

*1. Master Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.*

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 17-31**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0000-0000-0000

**TELL:** 00000000000

**Email:** maliheabolghasemi@yahoo.com

**Article history:**

**Received:** 13 Oct 2021

**Revised:** 17 Nov 2021

**Accepted:** 19 Dec 2021

**Published online:** 21 Mar 2022

**Keywords:**

*Rule of Intercession, Criminal Liability, Guarantee, Cause and Direction.*

### ABSTRACT

The rule of intercession is one of the jurisprudential rules of law regarding guarantee, which in civil law, compensation and in criminal law, punishment. The occurrence of a crime or damage to another does not always happen directly and through stewardship. Rather, in many criminal and civil matters, a person indirectly and through causation causes the loss of property to another or the commission of a crime, which, depending on the type of act committed, creates civil or criminal liability for him or both and depending on the act the cause can be intentional or unintentional, negative or positive and can be realized in various forms, including pure causation, the community of cause and effect and the community of causes; Therefore, determining the responsible person or persons in many cases, especially in the community of cause and effect and especially where the cause is stronger than the direction, is of special importance for imposing punishment or compensation. In this research, the rule of causation in criminal law is examined.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Abolghasemi, M (2022). "A Study of the Rule of Intercession in Imami Jurisprudence and Criminal Law in the Iranian Legal System". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(1): 17-31.